

## نگرشی بر حرمت و آثار رباخواری از منظر آیات و روایات

حسین جلائی نوبری<sup>۱</sup>

### چکیده

پیش از بعثت پیامبر اسلام و بعد از ظهور اسلام، ربای قرضی و معاملی میان مردم رایج بوده و مشکلاتی از قبیل از بین رفتن ثبات و تعادل اقتصادی، بازدارندگی از تلاش‌ها و فعالیت‌های اقتصادی سالم، تضعیف عواطف انسانی و ایجاد ظلم و اکل مال به باطل در جامعه برای آن‌ها به وجود آورده بود. در این مقاله سعی شده است نظرات اسلام و اخلاق اسلامی در مورد رباخواری بررسی شود و به استناد آیات قرآن کریم و روایات امامان شیعه (علیهم‌السلام)، به‌منظور پرهیز از ربا در معاملات و فعالیت‌های اقتصادی و هدایت جامعه به سوی فعالیت‌های اقتصادی سالم و پویا و رفع آن مشکلات و توجه نمودن هر چه بیشتر به احکام شرعی و روشن کردن آثار آن در بعد فردی و اجتماعی و اقتصاد یک جامعه سالم و نتایج زیانباری که در اثر عدم رعایت آن دامن‌گیر فرد و جامعه می‌شود، پرداخته شود.

**کلیدواژه‌ها:** ربا، آثار اجتماعی ربا، آثار فردی ربا، رباخواری، قرآن، روایات.



۱. عضو شورای پژوهشی مرکز توسعه پژوهش‌های بین‌رشته‌ای معارف اسلامی و علوم سلامت منطقه ۲ کشور استادیار و هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تبریز- ایران nobarjih@tbzmed.ac.ir

## مقدمه

از دیدگاه اسلام و سایر ادیان الهی ربا تحریم شده است. در اسلام در بین معاصی و گناهان، مال و لقمه حرام، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. از جمله این که انسان در برخی از گناهان مانند ترک نماز و روزه، حق‌الله را زیر پا می‌گذارد و در برخی دیگر مانند غیبت و تهمت و... حق‌الناس را زیر پا می‌گذارد؛ اما در لقمه حرام معمولاً هر دو اتفاق رخ می‌دهد. از یک سو انسان حق دیگران را خورده است و لذا حق‌الناس به گردن او خواهد بود از سوی دیگر اگر فرد با این اموال حج برود حجتش مقبول نیست و لذا حق‌الله نیز بر گردن وی خواهد ماند. خداوند در آیات متعددی به کسب حلال، روزی حلال و ... دعوت کرده است؛ به‌عنوان نمونه خداوند در آیه ۱۶۸ سوره بقره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ» ای مردم از آنچه در زمین، حلال و پاکیزه است بخورید و گام‌های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است؛ او شمارا به بدی و فحشا دعوت می‌کند.

## تاریخچه و پیشینه ربا

قبل از آنکه وارد بحث ربا از نظر قرآن کریم شویم لازم است به تاریخ ربا قبل از اسلام اشاره‌ای کنیم. ویل دورانت می‌نویسد: در چهار هزار سال قبل از میلاد لوحه‌های گلی به دست رسیده و بر آن‌ها به خط سومری نوشته شده:

«این لوحه اسناد بازرگانی است و این خود حکایت از وجود فعالیت‌های تجاری در آن زمان می‌کند و از روی اسناد به‌دست‌آمده برمی‌آید که قراردادها را با نوشتن و گواهی، مؤکد می‌کردند و نیز آئین وام گرفتن در نزد آنان معمول بوده است و کالا یا طلا و نقره را قرض می‌گرفته‌اند و در برابر آن سودی سالیانه در حدود ۱۵ تا ۳۳٪ به وام‌دهنده می‌داده‌اند چون در آن زمان، پول در حد وفور در میان مردم نبوده است و معاملات کالایی بوده است و ربا از خود کالا دریافت می‌شده است.» (ویل دورانت، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۵۱)

سپس تحت عنوان خاور دور آمده است: «بیش از هزار سال قبل از میلاد وقتی قدرت به دست «وانگ ان شی» افتاد وی اعلام کرد که حکومت باید خود را مسئول رفاه همه ابناء خود بداند و دولت باید اداره امور بازرگانی و صنعت و کشاورزی را در دست بگیرد تا طبقات زحمتکش قوام یابند و در زیر پای اغنیاء با خاک یکسان نشوند... دهقانان را از چنگ رباخواران رها گردانند و باید دولت هر ساله با نرخ نازلی وام موردنیاز دهقانان را در اختیار آن‌ها قرار دهد.» (ویل دورانت، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۵۱)

از این عبارت تاریخی چند نکته به دست می‌آید که از دیرباز سرمایه‌داران، مردم ضعیف را که برای اداره زندگی محتاج وام بودند از طریق رباخواری استثمار کرده، هستی آن‌ها را می‌بلعیدند و همچنین این نکته قابل دقت است که دولت، خود ناظر به روند اقتصادی بوده و خود را مسئول دفاع از محرومان

می‌دانسته است. با این چنین نمونه‌ای روشن می‌گردد که قبل از میلاد مسیح و قبل از اسلام رباخواری وجود داشته است.

### مفهوم شناسی

واژه «ربا» از ریشه «ربو» است و در لسان العرب آمده است: «ربا الشیء یربوا زادا و نما به»؛ زیادی، بلندی، تپه، ورم کردن، رشد، نمو، پرورش و فزونی است. (ابن منظور، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۱۲۶) و به معنی: فضل و زیاده آمده است. (فراهیدی، العین، واژه ربا؛ طریحی، مجمع البحرین) راغب گفته: اذا زاد و علا به معنی زیاد شدن بالا رفتن هست. (راغب، ۱۳۶۲، واژه ربا)

در اصطلاح فقهی مراد از ربا، زیادی در معامله اشیا ربوی و یا زیادی مشروط در قرض دادن است؛ و گاهی نیز به خود معامله‌ای که مشتمل بر زیادی باشد، ربا گفته می‌شود. (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۲۲، ص ۳۳۴ و محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص ۴۵۱)

### اقسام ربا

بر دو قسم است: ربا قرضی و معاملی. ربا قرضی عبارت است از اینکه چیزی را به‌عنوان قرض بدهد و شرط کند که چیزی زائد بر این مال به او رد کند و فرق نمی‌کند که آن شیئی زائد از جنس همان عین مقروضه باشد یا شیء دیگر؛ حتی اگر شرط عملی بشود ولو قرائت یک سوره از قرآن یا یک ذکر از اذکار یا شرط وصفی زائد باشد مثل مرغوب و نامرغوب، اما زیاده بدون شرط مانعی ندارد بلکه مستحب است ولو دائن هم بداند که مدیون آن زیاده را می‌دهد و داعی بر دین هم باشد لکن شرط نکند که مدیون ملزم باشد به رد زائد. ربای معاملی هم به معنی هرگونه زیادی در خرید و فروش یا هر قرارداد دیگری که عوض و معوض از یک جنس باشند (خوانساری، ۱۳۹۴، ق، ج ۳، ص ۲۳۶) که دو شرط مکمل و موزون بودن دو عوض و هم‌جنس بودن آن‌ها در این ربا آمده است.<sup>۱</sup>

### حرمت ربا از نظر ادیان آسمانی

در همه ادیان آسمانی ربا حرام شمرده شده است؛ یعنی حرمت ربا اختصاص به اسلام ندارد. آیین یهود و مسیح پیروان خود را از رباخواری بر حذر داشته‌اند مثلاً، در تورات آمده است:

اگر برادر فقیر و تهیدستت به نزد تو آمد او را مانند غریب و مهمان پذیرایی و یاری نما تا با تو زندگی نماید. از او ربا و سود مگیر و از خدای خود بترس تا برادرت با تو زندگی نماید. نقد خود را به ربا به او مده و خوراک را به سود به او مده، اگر نقدی به فقیران از قوم من که همسایه تو باشند قرض دادی مثل رباخوار با او رفتار مکن و هیچ سودی بر او مگذار. (سفر خروج، باب ۲۲ و ۳۷، چاپ لندن، ص ۱۹۵-۱۹۹ و به نقل موسایی، ص ۲۰)

در جای دیگر می‌خوانیم:

۱. محقق حلی، المختار النافع فی فقه الامامیه، ص ۱۲۷.

اگر مالی را به یکی از بندگانم قرض دادی مانند رباخواران با او برخورد نکن و از او سود مگیر. (سفر خروج، فصل ۲۳، آیه ۲۰؛ به نقل از: میثم موسایی، موضوع شناسی ربا، ۱۳۹۰، ص ۵)

قرآن نیز حرمت ربا در آیین یهود را تأیید می‌کند. به همین جهت آن‌ها را به عذاب و کیفر الهی بیم می‌دهد و از نعمات حلال خداوند محروم می‌سازد؛ زیرا آن‌ها با وجود حرمت و ممنوعیت ربا در دین یهود معاملات ربوی انجام می‌دادند (نسا، ۱۶۰-۱۶۱) بنابراین مستحق مجازات پروردگار بوده‌اند.

در حال حاضر، یهودیان دریافت ربا از هم‌کیشان خود را ناروا و از دیگران را روا می‌دانند. دلیل آن‌ها این سخن تورات است: «به بیگانه می‌توانی به سود و ربا قرض دهی اما برادرت را به سود قرض مده.» (سفر خروج، فصل ۲۳، آیه ۲۰ به نقل موسایی)

در آیین مسیحیت ربا به طور مطلق حرام است، همان‌طور که در کتاب عهد جدید دریافت سود و ربای قرضی به‌دور از فضیلت و ارزش‌های انسانی شمرده شده است. در اینجا قرض دادن کاری است ستوده و نیک خواهانه و دارای پاداش معنوی ولی دریافت سود حتی از دشمنان ناپسند و حرام هست. بر همین اساس تا پایان قرن سیزدهم که کلیسا در اروپا حکومت می‌راند، ربا کاملاً ممنوع و حرام بود. از نظر کلیسا انکار حرمت ربا به معنی ارتداد و خروج از دین شمرده می‌شد. چنین افرادی بعد از مرگ، صلاحیت تکفین را نداشتند؛ بنابراین دستورهایی که از تورات برای تحریم ربا نقل نمودیم، شامل آیین حضرت مسیح (ع) نیز می‌شود. در عین حال، برخی از نصوص انجیل را در تأیید این مطلب بیان می‌کنیم: «اگر به کسانی قرض بدهید که انتظار پاداش از آن‌ها دارید، چه فضیلتی برای شما متصور است.» (انجیل لوقا، فصل ۶، آیه‌های ۳۴ و ۳۵، به نقل موسایی ص ۱۰۲) «اگر به کسانی قرض دهید که امید بازگرداندن را از آن‌ها دارید، چه فضیلتی برای شما دارد! گناهکاران نیز به همدیگر قرض ربوی می‌دهند تا آن‌ها مثل آن‌ها را برگردانند.» (انجیل لوقا، فصل ۶، آیه‌های ۳۴ و ۳۵، به نقل موسایی ص ۱۰۲)

بنابراین، ربا از نظر ادیان الهی عملی ناپسند و حرام هست. با دقت در عبارات تورات و انجیل و قرآن می‌توان دریافت که قرض دهندگان از نظر اجتماعی - اقتصادی موقعیت بسیار خوبی را در جامعه داشته‌اند و به‌عکس قرض گیرندگان شامل طبقات فقیر و بی‌نواای جامعه بوده‌اند. روح عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی که شاخص و معیار تشخیص ادیان آسمانی است، در رابطه با مساله ربا مشهود و پیداست. حمایت از رباخواران به معنی پشتیبانی از طبقات اشراف و ثروتمند و استثمارگر هست. به همین دلیل، ادیان الهی هماهنگ و همسو با آن به مبارزه برخاسته‌اند و از متقاضیان قرض که معمولاً افراد فقیر و تهیدست بودند، حمایت می‌کردند.

از آیه زیر می‌توان این نکته را فهمید که ادیان الهی مؤید یکدیگرند:

نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ... (آل عمران، ۲-۳) آن خدایی که قرآن را به‌راستی بر تو فرستاد که تصدیق‌کننده کتب

آسمانی قبل از خود است و (پیش از قرآن) تورات و انجیل را فرستاد، برای هدایت مردم و نیز کتاب جداکننده میان حق و باطل (قرآن) را فرستاد.

### زشتی رباخواری در اسلام

اسلام بیشتر از سایر ادیان با مسئله ربا مبارزه نموده است و با لحن بسیار تند و هراس‌انگیز؛ از آن سخن گفته است. در قرآن و روایات کمتر چیزی را می‌توان یافت که به قدر رباخواری از نظر اسلام مطرود باشد.

### ۱) قرآن اولین منبع شناخت احکام

قرآن شریف، حداقل در هفت آیه به روشنی حرمت ربا را بیان کرده است.  
آیه اول:

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بَأْثُهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره، ۲۷۵) آنان که ربا می‌خورند در قیامت چون کسانی از قبر برمی‌خیزند که به افسون شیطان دیوانه شده باشند و این به کیفر آن است که گفتند ربا نیز چون معامله است. درحالی‌که خدا معامله را حلال و ربا را حرام کرده است پس هر کس که موعظه خدا به او رسید و از رباخواری بازایستاد، خدا از گناهان پیشین او درگذرد و کارش به خدا واگذار می‌شود و آنان که بدان کار بازگردند، اهل جهنم‌اند و جاودانه در آن خواهند بود.

این آیه در مقام تأکید حرمت ربا و تشدید مجازات بر رباخواران است و هرکس بعد از این ابلاغ صریح و آشکار به رباخواری ادامه دهد اهل دوزخ است و جاودانه در آن می‌ماند. این تعبیر دلیل مؤکدی بر حرمت ربا است.

آیه دوم:

«يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (بقره، ۲۷۶) خدا از [برکت] ربا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد.

کلمه محق که مصدر فعل یَمْحَقُ است به معنای از بین رفتن خیر و برکت و نقصان پی‌درپی است به طوری که آن چیزی که محق می‌شود، تدریجاً فانی شود و در مقابل کلمه «ارباء» که مصدر فعل ربیبی است به معنای نمو و رو به زیادت نهادن و کلمه «اثیم» به معنای صاحب اثم است.

آیه سوم و چهارم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ» (آل عمران، ۱۳۰-۱۳۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا مخورید به افزودن‌های پی‌درپی و از خدا بترسید تا رستگار شوید و بترسید از آتشی که برای کافران مهیا شده است.

قرآن برای ریشه‌کن ساختن رباخواری حکم تحریم ربا را در چهار مرحله بیان کرده است:

الف) نخست درباره ربا به یک پند اخلاقی قناعت شده: «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ» (روم، ۳۹) و به این طریق اعلام می‌کند که تنها از دیدگاه افراد کوتاه‌بین است که ثروت رباخواران از راه سود گرفتن افزایش می‌یابد، اما در پیشگاه خدا چیزی بر آن‌ها افزوده نمی‌شود.

ب) درجایی دیگر ضمن انتقاد از عادت و رسوم غلط یهود به عادت زشت رباخواری آن‌ها اشاره کرده و می‌فرماید: «وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ» (نسا، ۱۶۱) ربا می‌گیرند باینکه از آن نهی شده بودند. ج) و در آیه مورد بحث «لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً» (آل عمران، ۱۳۰) حکم تحریم ربا صریحاً ذکر شده، اما تنها به یک نوع از انواع ربا که نوع شدید و فاحش آن است اشاره شده است.

د) و بالاخره در سوره بقره هرگونه رباخواری به شدت ممنوع اعلام شده و در حکم جنگ با خدا ذکر گردیده است. «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ». (بقره، ۱۷۹) و در هر حال آیه دلالت بر تحریم ربا دارد چون نهی ظاهر در تحریم است؛ خصوصاً که در ذیل آیه شریفه اطلاق کفر بر رباخواران شده است.

آیه پنجم و ششم:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ - فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ.» (بقره، ۲۷۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و زیادی ربا را رها کنید اگر به راستی اهل ایمانید. پس اگر ترک ربا نکردید آگاه باشید که به جنگ خدا و رسول او برخاسته‌اید و اگر از این کار پشیمان گشتید اصل مال شما برای شماست که در این صورت به کسی ستم نکرده‌اید و از کسی ستم نکشیده‌اید.

آیه هفتم:

«فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أَحَلَّتْ لَهُمْ وَبِضَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَأَخْذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (نسا، ۱۶۰-۱۶۱) پس به خاطر (این همه) ظلمی که یهود کردند و هم بدین جهت که بسیاری مردم را از راه خدا منع کردند، ما نعمت‌های پاکیزه‌ای را که بر آن‌ها حلال بود، حرام گردانیدیم و هم بدین جهت که ربا می‌گرفتند. در صورتی که از ربا خوردن نهی شده بودند و هم از آن رو که اموال مردم را به باطل می‌خوردند و ما برای کافران آن‌ها عذابی دردناک مهیا ساخته‌ایم.

### روایات دومین منبع شناخت احکام

در مجموعه روایات گناه اخذ ربا بدتر از زنا با محارم<sup>۱</sup> بدتر از زنا با محارم در کنار کعبه آیکسان بودن ربا دهنده و گیرنده و واسطه در گناه<sup>۲</sup>

۱. (وسائل الشیعه، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۲۳) و (الحیاه، ج ۵، ص ۴۰۹)

۲. (الحیاه، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۴۰۹)

۳. (الحیاه، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۴۰۹)

ملعون، بدترین کسبها، موجب هلاکت امتها، واجب القتل، ترس پیامبر از امت خود<sup>۵</sup> بزرگترین گناهان، موجبات بلا فراهم، غیرقابل حرکت<sup>۶</sup> معرفی شده است.

### مفاسد ربا

بی تردید رباخواری روح مادی‌گری را در انسان پرورش می‌دهد و این کاملاً آشکار است زیرا معمولاً در نظر رباخواران چیزی جز ثروت‌اندوزی اهمیتی ندارد و این روحیه اگر در کسی پا بگیرد سجایای اخلاقی مانند سخاوت، دیگر دوستی، عاطفه اجتماعی، انفاق، مواسات و حتی عائله دوستی را در او نابود می‌سازد و متقابلاً بسیاری از رذایل اخلاقی مانند فردگرایی، بخل، لذت‌جویی، بی‌انصافی، قساوت، پستی و برده‌صفتی را در او به وجود آورده و تقویت می‌کند. (مظاهری، بی تا ج ۲، ص ۵۶-۵۱)

### ادله حرمت ربا

حرمت ربا مخصوص به گیرنده نیست بلکه دهنده و واسطه و شاهد و کاتب تماماً شریک در حرمت هستند به نص اخبار، اما این که چرا ربا حرام است بعضی گفته‌اند برای این که موجب مختل ماندن کار و کسب و تجارت می‌شود زیرا وقتی که قرض دهنده دید پول خود را با مقدار زیادتری می‌گیرد طبعاً دیگر به کار و کوشش نمی‌پردازد و از امام جعفر صادق (ع) نقل شده که فرمود: «علت این که ربا به این شدت حرام شده این است که در صورت رواج ربا مردم از نیکی در قرض و کمک به یکدیگر خودداری می‌کنند» (وسائل الشیعه، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۱۱۸) خرید و فروش، کارگشایی و حل مشکل جامعه است اما ربا مکیدن خون افراد ضعیف و ایجاد مشکل در کار جامعه است، در خرید و فروش هر دو طرف، مورد سود و زیان تولید و مصرف و در تلاش هستند ولی در ربا تلاش و تحمیل و زیان همه بر ربا دهنده است. رباخوار مفت‌خور واقعی و همه سود در طرف او است. ربا سبب ایجاد طبقات و عمیق شدن شکاف و فاصله‌های زندگی و چرخیدن اجتماع به نفع اقلیت محدودی است بر خلاف خرید و فروش که ثروت ملی را همچون خون در رگ‌های جامعه به حرکت در می‌آورد. رباخواران از نظر حرص در جمع ثروت چنان دچار اختلال فکر و اشتباه شده، میان داد و ستدهای متعارف که پایه تعادل زندگی جامعه است با وام با سود جابرانه تفاوت نگذاشته و هر دو را یکسان پنداشته‌اند. این گروه سرمایه‌دار حریص در این اندیشه‌اند که ثروت اجتماع و نیروی حیاتی را در اختیار بگیرند هر چند

۱. (سفینه البحار، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۵۰۷)

۲. (کافی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۱۴۷، ج ۱۲)

۳. (وسائل الشیعه، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۲۹)

۴. (وسائل الشیعه، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۲۹) و (تفسیر قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۹۳).

۵. (الحیاه، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۴۰۹)

۶. (الحیاه، ۱۴۱۳، ج ۵، صص ۴۰۶ - ۴۰۷)

۷. (مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۳۳۳)

۸. (وسائل الشیعه، ۱۴۱۴، ج ۱۲، روایت ۱۶ از باب ۱ از ابواب ربا)

پایه زندگی جامعه متزلزل شده و به پرتگاه‌های سقوط و زوال نزدیک گردد. غافل از آنکه طبقه سرمایه‌دار به مقاصد شوم خود نرسیده و در کانون انقلاب قرار خواهند گرفت و آتش جنگ و ستیز آنان را نابود خواهد کرد.

### آثار زیان‌بار رباخواری در قرآن<sup>۱</sup>

از نظر قرآن، چنین رویه‌ای در فعالیت‌های اقتصادی بسیار خطرناک است؛ زیرا آثاری در ابعاد گوناگون به دنبال دارد که همگی آن‌ها زیان‌بار است. از جمله این آثار ویرانگر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: **بی‌برکتی** از مهم‌ترین آثار زیان‌بار رباخواری می‌توان به بی‌برکتی در مال و ثروت اشاره کرد. (بقره، آیه ۲۷۶؛ و روم، آیه ۳۹) درحالی‌که شخص رباخوار بر آن است تا با زیاده‌خواهی و نزول‌خواری بر ثروت و مال خویش بیفزاید، از نظر قرآن، نتیجه نهایی چنین فعالیت فاسد اقتصادی عکس انتظار و توقع شخص خواهد بود؛ زیرا در مال ربوی برکتی نیست و مال هرچند که به‌ظاهر افزایش می‌یابد، ولی از ماندگاری و تأثیر مثبت در زندگی و کسب‌وکار شخص خبری نخواهد بود؛ زیرا هر افزایش مال و ثروت به معنای بهره‌مندی مفید و سازنده و استفاده مناسب از آن نیست؛ بلکه این برکت الهی است که مال را به‌گونه‌ای قرار می‌دهد که بهترین بهره مناسب را از آن می‌برد. شاید تاکنون دیده باشید که اثاث و کالایی که برای خانه خریده می‌شود، عمر کوتاهی دارد و برخلاف توقع به‌سرعت نیاز به تعمیر یا تغییر می‌یابد و کلی ضرر و زیان بر خریدار تحمیل می‌کند؛ درحالی‌که کالایی دیگر که به نظر می‌رسد باید عمر کوتاهی داشته باشد، عمر طولانی می‌یابد و در مدت عمرش نیاز به تغییر و تعمیر پیدا نمی‌کند و هیچ هزینه اضافی بر شخص تحمیل نمی‌کند. این‌ها نمونه‌هایی از بی‌برکتی یا برکتی در اموال انسان است. در روایات نیز بیان شده که مال حرام بی‌برکت است. (کافی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۱۲۵)

**محرومیت از حلال و نعمت‌ها** از نظر قرآن، رباخواری، از مصادیق ظلم و حرام‌خواری است. از یک نظر شخص، به‌جای آنکه مال حلالی را در زندگی خویش وارد کند، مال حرام وارد می‌کند که خود آسیب‌زا است. از سوی دیگر، همین حرام‌خواری آثار و تبعات دیگری دارد که از جمله آن‌ها محرومیت شخص از حلال‌های دیگر است؛ به این معنا که زندگی شخص به‌گونه‌ای درمی‌آید که از حلال‌های دیگر نیز محروم می‌شود. این امر در امت‌های پیشین حتی به شکل تحریم حلال از سوی خدا در قالب تشریح و احکام شریعت مطرح شده است؛ چنانکه خدا در قرآن می‌فرماید یهودیان به سبب ظلم رباخواری، خداوند حلال‌هایی را در شریعت یهودی بر آنان حرام کرد. (نساء، آیات ۱۶۰ و ۱۶۱) بنابراین اگر خدا در قالب حکم تشریحی، در راستای تنبیه و مجازات رباخواران، حتی حلال‌هایی را بر آنان حرام می‌کند، به‌طور طبیعی باید گفت که در قالب حکم تکوینی، کاری می‌کند که رباخواران از برخی از

۱. در مقاله ای از نویسنده با عنوان «بررسی اهداف آیات ناظر به تغذیه با نگاهی به الگوی غذای حلال طیب» که در شماره ششم بهار و تابستان ۱۳۹۹ فصلنامه پژوهش‌های تربیت بدنی و علوم ورزشی - چاپ شده است.



حلال‌ها محروم شوند؛ چون زندگی خویش را آلوده به ظلم و حرام‌خواری کرده‌اند. به‌طور طبیعی این حرام در همه زندگی آنان رسوخ می‌کند و بستری را فراهم می‌آورد تا نتوانند از بسیاری از حلال‌های الهی بهره‌مند شوند. به سخن دیگر، محرومیت از حلال‌ها واکنش طبیعی و تکوینی رباخواری است که زندگی انسان را آلوده کرده است.

کسانی که رباخواری می‌کنند، نعمت حلال را به حرام آلوده کرده و به‌جای شکر نعمت، کفران نعمت می‌کنند؛ از این‌رو، خدا آنان را گرفتار تنگدستی و بدبختی می‌کند.<sup>۱</sup>

**فقدان تعادل روانی و رفتاری** (از نظر قرآن، رباخواری تنها در حوزه اقتصادی انسان تأثیر منفی نمی‌گذارد، بلکه آثار زیان‌بار آن در حوزه روانی و رفتاری نیز بروز و ظهور می‌کند؛ زیرا رباخواری موجب می‌شود تا ابلیس و شیاطین بر شخص مسلط شوند و کنترل روان و رفتار او را در دست بگیرند. از نظر قرآن، کسی که تحت تأثیر رباخواری قرار می‌گیرد، گویی شیطانی او را مس می‌کند و در روان و رفتارش تأثیرات منفی ایجاد می‌کند. این‌گونه است که تعادل روانی و رفتاری خویش را از دست می‌دهد. در هنگام قیامت نیز همچون مستانی برمی‌خیزد که نمی‌تواند مستقیم بایستد و تلوتلوخوران به این سمت و آن سمت می‌رود؛ چنانکه در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است که رباخواران باین حال در قیامت برمی‌خیزند؛ زیرا قیامت تجسم باطن احوال و اعمال انسانی است. پس کسی که در اینجا گرفتار مس شیطان شده و تعادل روانی و رفتاری خویش را از دست داده، در قیامت همان‌گونه برمی‌خیزد و در تجسم قیامتی، خود را نشان می‌دهد.

همچنین از این آیه به دست می‌آید که رباخواران گرفتار نوعی جنون و دیوانگی تحت تأثیر شیطان می‌شوند (الدر المنثور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۰۲).

**عدم رستگاری** (از نظر قرآن، رستگاری در گرو ایمان و عمل صالح است؛ درحالی‌که رباخواران از نظر فکری گرفتار نوعی کفر و از نظر رفتاری دچار اعمال زشت و ناپسند هستند. از همین روست که رنگ فلاح و رستگاری را نخواهند دید. اینان به سبب آنکه بی‌تقوایی می‌کنند مورد خشم و غضب الهی قرار می‌گیرند؛ لذا خدا ضمن نهی از رباخواری از مردمان می‌خواهد تا تقوای الهی پیشه کرده و از رباخواری دست‌بردارند تا رستگار شوند.<sup>۳</sup>

۱. و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می‌رسید پس [ساکنانش] نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاندید (نحل، آیه ۱۱۲)

۲. کسانی که ربا می‌خورند، قیام نمی‌کنند و بر نمی‌خیزند، مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، پریشان حال و آشفته‌اش کرده است. (بقره، آیه ۲۷۵)

۳. ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا را [با سود] چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید باشد که رستگار شوید (آل عمران، آیه ۱۳۰)

کفر) چنانکه گفته شد، رباخواری بیانگر کفر به خدا و فقدان ایمان به اوست. از همین رو خدا به مردم هشدار می‌دهد تا از رباخواری دست‌بردارند؛ زیرا نتیجه آن چیزی جز کفر نیست. (آل عمران، ۱۳۱)

گناه) انسان رباخوار نه تنها با ارتکاب این حرام، گناهکار می‌شود، بلکه شرایطی را برای خودش ایجاد می‌کند که گناهان دیگری نیز به سراغ او می‌آید و انجام می‌دهد. در روایات بیان شده لقمه حرام انسان را به گناهان بزرگی چون قتل پیامبران و اولیای الهی می‌کشد؛ چنانکه قاتلین سید الشهداء امام حسین (ع) کسانی بودند که شکم‌های آنان از لقمه‌های حرام به‌ویژه اختلاس از بیت‌المال پر بوده است؛ زیرا رهبری قاتلان در دستان کسانی بود که همگی در دوره خلافت ظالمانه، از بیت‌المال اختلاس می‌کردند و به ظلم و چپاول اموال عمومی می‌پرداختند. در روایت است امام حسین پیش از ظهر عاشورا در کربلا صحبت‌های زیادی کرد، ولی هیچ‌کدام اثر نمی‌کرد. در آخر حضرت فرمودند: چون شکم‌های شما از حرام پر شده است، حرف‌های من در شما اثر نمی‌گذارد. (بحارالانوار، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۸).

**جنگ علیه خدا**) رباخواری، موجب قرار گرفتن در زمره محاربان باخدا است و کسانی که رباخواری می‌کنند به‌عنوان محارب و دشمنان خدا مطرح می‌شوند و باید مجازات دنیوی و اخروی را بپذیرا باشند؛ زیرا خدا با دشمنان خویش مدارا نخواهد کرد و در دنیا و آخرت آنان را مجازات می‌کند. باید یادآور شد کسی که اعلان رسمی جنگ با خدا نمی‌کند، گاه در همین دنیا به سبب گناهان کبیره مجازات می‌شود، چه رسد به کسانی که به‌طور رسمی و آشکار اعلان جنگ می‌کنند و با گناه کبیره رباخواری نه‌تنها به خود، بلکه به اقتصاد و ستون قوام‌بخش و سعادت آفرین اجتماع ضربه و زیان وارد می‌سازند.

**جنگ با پیامبر (ص) و اولیای امور اجتماع**) رباخواری، موجب قرار گرفتن در زمره محاربان با پیامبر (ص) است؛ و کسی که به رباخواری اقدام می‌کند، با رهبری نظام سیاسی ولایی مخالفت می‌کند؛ زیرا اقتصاد اجتماع و ستون‌های سعادت و آسایشی و آرامشی را دچار بحران می‌سازد. پیامبر (ص) به‌عنوان رهبری اجتماع، بر آن است تا همچون همه پیامبران و رسالت آنان آ و مانند حضرت

۱. در مقاله از نویسنده با عنوان «عاقبت بخیری از منظر آیات و روایات» چاپ شده در بهار ۱۳۹۵ پیش شماره سال دوم مجله سدید چاپ شده است.

۲. ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید؛ و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است. نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید. (بقره، آیات ۲۷۸ و ۲۷۹)

۳. همانا ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو [ای تشخیص حق از باطل] نازل کردیم تا مردم به عدالت بر خیزند و آهن را که در آن برای مردم قوت و نیرویی سخت و سودهایی است، فرود آورده و تا خدا مشخص بدارد چه کسانی او و پیامبرانش را در غیاب پیامبران یاری می‌دهند؛ یقیناً خدا نیرومند و توانای شکست ناپذیر است. (حدید، آیه ۲۵).

یوسف (ع) اقتصاد اجتماع را در مسیر کمالی و رشدی و بهره‌مندی قرار دهد. اما رباخواران در تضاد عملی و رفتاری با ایشان و دیگر رهبران اجتماع عمل می‌کنند و اجازه نمی‌دهند تا عدالت در اجتماع جاری شود و گردش سالم اقتصادی تحقق یابد. همچنین پیامبر اکرم (ص) و نیز دیگر اولیای امور از رهبران در طول تاریخ به‌عنوان «قومین بالقسط» باید عمل کنند و قسط و عدالت را به تمام و کمال اقامه نمایند، در حالی که رباخواران اجازه نمی‌دهند تا این امر تحقق یابد؛ از همین رو رباخواری اعلان رسمی جنگ با پیامبر (ص) و اوصیای ایشان از خلفای بر حق و اولیای امور تلقی می‌شود. (بقره، آیات ۲۷۸ و ۲۷۹) باید توجه داشت که وقتی در آیات قرآن پیامبر (ص) در کنار خدا مطرح می‌شود، در بسیاری از موارد به جنبه ولایتی آن حضرت (ص) نسبت به اجتماع توجه می‌دهد؛ زیرا پیامبر (ص) به‌عنوان رهبر اجتماع وظایف و اختیاراتی دارد که معصیت آن حضرت (ص) در این موارد خود حکمی جداگانه دارد. (نساء، آیات ۵۹ و ۶۰؛ احزاب، آیه ۳۶)، هرچند که هر حکم ایشان مطابق وحی است؛ زیرا نطق ایشان و دیگر اعمال ایشان چیزی جز وحی نیست. (نجم، آیات ۳ و ۴؛ انفال، آیه ۱۷)؛ از همین رو خدا در آیات ۸ و ۹ سوره مجادله برای تأکید بر آن دو بار جداگانه اشاره می‌کند: «بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ» و از مردمان می‌خواهد با رسول الله مخالفت نکنند و علیه ایشان عصیان نوززند.

**محرومیت از محبت و رحمت خداوند** از نظر قرآن، کسانی محبوب خدا هستند که مطیع اوامر و نواهی خدا و پیامبرش باشند. (آل عمران، آیات ۳۱ و ۳۲؛ مائده، آیه ۵۴) اما کسانی که رباخواری می‌کنند، نه تنها مطیع خدا و رسولش نیستند، بلکه به‌طور رسمی به جنگ خدا و پیامبرش رفته‌اند. از همین رو، مغضوب و مبعوض خدا هستند؛ بنابراین باید گفت رباخواری، موجب محرومیت از محبت و

۱. یوسف، آیات ۴۵ تا ۵۶.

۲. این آدر به دری و تبعید برای این است که آنان با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت کردند و هر کس با خدا دشمنی و مخالفت کند [بداند که] خدا سخت کیفر است. (حشر، ۴) آنچه خدا از [اموال و زمین‌های] اهل آن آبادی‌ها به پیامبرش بازگرداند اختصاص به خدا و پیامبر و اهل بیت پیامبر و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان دارد تا میان ثروتمندان شما دست به دست نگردهد؛ و [از اموال و احکام و معارف دینی] آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بپذیرید و از آنچه شما را نهدی کرد، باز ایستید و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا سخت کیفر است (حشر، آیه ۷).

۳. ای کسانی که ایمان آورده اید برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است (مائده، آیه ۸).

۴. در این زمینه مقاله ای با عنوان «تجسم معنویت در سیره تربیتی پیامبر اعظم (ص)» که در اولین شماره فصلنامه دین و خانواده در بهار ۱۳۹۷ چاپ شده است.

رحمت خداوند می‌شود و رباخواران محبوب خدا نبوده بلکه مغضوب و مبعوض خدا خواهند بود. ( بقره، آیه ۲۷۶؛ نساء، آیات ۱۶۰ و ۱۶۱)

**ناسپاسی** از نظر قرآن سپاسگزار کسی است که از نعمت‌های الهی به‌درستی و مناسب فطرت و شریعت بهره‌گیرد و کسی که خلاف آن عمل کند، در حقیقت نعمت‌های الهی را ناسپاسی کرده است. از نظر قرآن رباخواری، باعث ناسپاسی شدید نعمت و گناهکاری شخص رباخوار می‌شود و از همین رو از آن منع و نهی کرده است. (بقره، آیه ۲۷۶)

**جاودانگی در دوزخ** جاودانگی در عذاب، پیامد رباخواری در صورت تکرار آن است. به سخن دیگر، کسانی که دست از رباخواری برنمی‌دارند، خودشان را برای عذاب جاودان دوزخ و آتش فروزان آن آماده کرده‌اند. (بقره، آیه ۲۷۵)

**عذاب دردناک** رباخواری به‌عنوان گناهی بزرگ موجب ورود انسان به دوزخ و عذاب سخت و دردناک آن می‌شود. (نساء، آیه ۱۶۱)

**استحقاق قتل** از نظر مجازات دنیوی نیز حکم حقوقی رباخواری در صورت عدم توبه و تکرار آن قتل است؛ زیرا رباخوار به جنگ سعادت مردم رفته و ستون اصلی اجتماع و اقتصاد سالم را هدف قرار داده است. (بقره، آیه ۲۷۹) خدا در این آیه با جمله «فأذنوا بحرب...» به این نکته توجه می‌دهد که رباخواران به جنگ رسمی و علنی خدا و رسول‌الله (ص) به‌عنوان رهبر اجتماع اسلامی رفته‌اند؛ از همین رو، از نظر حقوقی و قانونی مجازات این دسته افراد مرگ است و مسئولان نظام اسلامی باید این افراد را به‌عنوان محاربان باخدا و نظام ولایی اسلامی اعدام کنند. پس نظام اسلامی باید این افراد را در صورت عدم توبه و تکرار جرم به اشد مجازات یعنی اعدام محکوم کند. (مجمع البیان، ج ۱ - ۲، ص ۶۷۴)

**ظلم و بی‌عدالتی** از نظر قرآن، رباخواری ظلم و بی‌عدالتی در عرصه اقتصادی است؛ بنابراین، رباخوار در جهت خلاف آموزه‌های اسلام عمل می‌کند و اجازه نمی‌دهد تا عدالت در اجتماع تحقق یابد. (حدید، آیه ۲۵؛ انعام، آیه ۱۵۱؛ مائده، آیه ۸؛ بقره، آیات ۲۷۸ تا ۲۷۹)

**عدم ملکیت سود** از نظر قرآن، حکم حقوقی ربا این است که شخص، مالک اموال و سود حاصله از معامله ربوی نمی‌شود؛ زیرا ربا از موارد صحیح انتقال ملک از فردی به فرد دیگر نیست. (بقره، آیات ۲۷۵ تا ۲۷۸؛ آل عمران، آیه ۱۳۰)

**بطلان معاملات ربوی** همچنین از نظر قرآن، معاملات ربوی از نظر حقوقی باطل است و حکم وضعی چنین معامله‌ای بطلان آن است. به سخن دیگر، همان‌طوری که حکم تکلیفی حرمت است، حکم وضعی آن بطلان است؛ زیرا نهی در معاملات، موجب بطلان آن‌ها است. (بقره، آیات ۲۷۵ تا ۲۷۸؛ آل عمران، آیه ۱۳۰)

**حرمت تصرف** حرمت تصرف در اموال ربوی و ربای گرفته شده از دیگر احکام حقوقی و وضعی رباخواری است؛ زیرا شخص با معامله ربوی صاحب ملک نمی شود و به سبب بطلان معامله هیچ گونه انتقال صحیح و مشروعی اتفاق نیفتاده تا شخص بتواند در ملک تصرفات مالکانه داشته باشد؛ بنابراین، تصرف در اموال ربوی تصرف در مال غیر و حرام است. در این آیه هر چند با استعمال کلمه «أکل» از خوردن مال به عنوان مهم ترین و عمده ترین منفعت ربا منع شده است، ولی مراد هر گونه تصرف در این اموال است. پس باید گفت همه تصرفات دیگر غیر از خوردن نیز مورد نهی است. (مجمع البیان، ۱۴۱۵، ج ۱ - ۲، ص ۸۳۳-۸۳۴)

**مصادره اموال رباخوار** از نظر کیفی مجازاتی که در دنیا بر علیه رباخوار و رباخواری صادر می شود، حکم مصادره اموال رباخوار است. البته در صورت توبه، اصل سرمایه او پس داده می شود؛ اما سود ربوی، مصادره و به صاحبان مال عودت داده می شود. <sup>۲</sup> به سخن دیگر، رباخوار هرگز مالک سود حاصله از نزول خواری و رباخواری نمی شود؛ بنابراین، سود ربوی، ملک رباخوار نیست، بلکه مال دیگری است که به ظلم و ستم در اختیار او است. باید توجه داشت که عدم بازگرداندن اصل سرمایه رباخوار پس از توبه به معنای ظلم به اوست که باید نظام ولایی سیاسی و حاکمان از آن اجتناب کنند (بقره، ۲۷۹)؛ زیرا با توبه، اصل سرمایه دوباره به ملکیت مالک آن بازمی گردد و کسی حق ندارد در مال دیگری تصرف یا او را از مالکیت ساقط کند.<sup>۳</sup>

از نظر قرآن کسانی از رباخواری اجتناب می کنند که اهل ایمان و تقوا بوده و از قیامت و آتش دوزخ می هراسند. (بقره، آیه ۲۷۵ و ۲۷۸ و ۲۷۹) اینان همانی هستند که اهل رستگاری بوده و به سبب ایمان و تقوای الهی به بهشت می روند. (بقره، آیه ۲۷۵ و ۲۷۸ و ۲۷۹) به هر حال، اسلام به دلایلی که در آثار بیان شده به شدت با رباخواری و معاملات ربوی اعم از اینکه توسط اشخاص حقیقی و یا حقوقی مانند بانک ها و بنگاه های اقتصادی انجام شود برخورد می کند، زیرا عامل بحران اقتصادی و مانع جدی بر سر رشد اقتصادی، اقامه عدالت، توزیع ثروت، گردش سالم آن و مانند آن ها است.

۱. ای کسانی که ایمان آورده اید ربا را [با سود] چندین برابر مخورید و از خدا پروا کنید باشد که رستگار شوید (آل عمران، ۱۳۰).

۲. و اگر (چنین) نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه های شما از خودتان است. نه ستم می کنید و نه ستم می بینید (بقره، ۲۷۹).

۳. کسانی که ربا می خورند، (از گور) بر نمی خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: (داد و ستد صرفاً مانند ریاست.) و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید و (از رباخواری) باز ایستاد، آنچه گذشته، از آن اوست و کارش به خدا واگذار می شود و کسانی که (به رباخواری) باز گردند، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود (بقره، ۲۷۵ و ۲۷۸ و ۲۷۹).

## آثار معنوی ربا

از نظر اسلام وجود انسان به‌طور غریزی دارای قوای موردنیاز متعدد است؛ مانند قوه شهوت، غضب، مال دوستی و... که خدا در نهاد بشر قرار داده است. از جمله آن‌ها سعادت خواهی هست؛ و با مال حرام امکان رسیدن به آن مقام فراهم نمی‌شود.

رباخواری، در کنار زیان‌های جسمی، بیماری‌های روحی را نیز در پی دارد؛ زیرا خداوند نفس انسانی را به‌گونه‌ای آفریده است که هر رفتار زشت یا زیبایی، افزون بر اثر شرعی که برای بازداشتن از کردارهای زشت یا تشویق به کارهای شایسته قرار داده است، اثر وضعی در روح انسان بر جای می‌گذارد؛ و به چند روایت اشاره می‌شود.

۱) در روایات آمده که لقمه‌های حرام و درآمدهای ناپاک موجب سیاهی دل می‌شود. پیامبر (ص) در سفارشات خود به علی (ع) می‌فرمایند: یا علی پنج چیز قلب را می‌میراند... و خوردن حرام، ایمان را از قلب خارج می‌کند (اثنی عشریه، ۱۳۷۶ ق، ص ۲۰۳)

۲) لعنت فرشتگان، کسی که لقمه حرام می‌خورد مورد لعن فرشتگان قرار می‌گیرد. رسول خدا (ص) فرمودند: هرگاه لقمه‌ای حرام در شکم بنده‌ای از بندگان خدا قرار گیرد، تمام فرشتگان زمین و آسمان او را لعنت می‌کنند. (الدعوات، ۱۳۶۶ ش، ص ۲۵ و مکارم الاخلاق، ۱۴۱۲، ص ۱۵۰)

۳) عدم قبولی اعمال خیر: عده‌ای از مردم کارهای خیر می‌کنند ولی به دلیل آنکه حرام در زندگی آنان راه‌یافته این کارهای خیر بی‌ارزش خواهد بود و هیچ تأثیری در زندگی دنیوی و اخروی آنان نخواهد گذاشت. رسول خدا (ص) در این باره فرموده است: کسی که کسبش حرام است خداوند هیچ کار خیری را از او نمی‌پذیرد، چه آن کار، صدقه باشد، چه آزاد کردن بنده، حج باشد یا عمره و خداوند متعال به‌عوض پاداش این کارها، گناه برای او ثبت می‌کند و آنچه پس از مرگش باقی می‌ماند توشه دوزخ او خواهد بود (ثواب الاعمال، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۸۲)

۴) حضرت پیامبر (ص) می‌فرماید: عبادت همراه با تصرف و تغذیه حرام همچون بنیان ساختمان بر شن‌های روان است. (عدّة الداعی، بی تا ص ۱۴۱)

۵) امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمود کسی که به حرام، مال مؤمنی را بخورد هرگز دوستدار من نیست. (مجموعه ورام، ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۱۶)

## آثار زیان‌بار فردی

### ۱- کینه‌جویی، نتیجه ظلم به دیگران

ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در اسلام، اصلی اساسی و خدشه‌ناپذیر است. عدالت در سلسله علل احکام است، نه در سلسله معلولات. نه این است که آنچه دین گفته عدل است بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید. (مطهری ۱۴۰۹ ص ۱۴) برقراری عدالت در ابعاد مختلف زندگی فردی انسان و از جمله در عرصه فعالیت‌های اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف ادیان الهی و دین مبین اسلام است. قرآن

می‌فرماید: ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آن‌ها میزان نازل کردیم تا مردم بدین‌وسیله عدل را به پادارند. (حدید، ۲۵) قرآن مجید ظالمانه بودن ربا را علت تحریم آن دانسته و می‌فرماید: اگر توبه کنید سرمایه‌های شما از خودتان است. نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید (بقره، ۲۷۹) حضرت امام (ره) آیه فوق را بیانگر فلسفه تحریم ربا می‌داند و می‌فرماید: «معلوم است که حکم خداوند تعالی به تحریم ربا به خاطر این است که موجب ظلم و فساد می‌شود و تحریم ظلم است؛ آن‌چنان که ظاهر آیه کریمه به آن اشاره دارد ظلم علت یا حکمت آن است و همین‌گونه است که اخذ زیادی مساوی با جنگ با خدا و رسولش است». (امام خمینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۴۲) امام رضا (ع) نیز وجود ظلم در ربا را یکی از سه علت حرمت آن برشمرده‌اند. (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۱۲۱) به حکم عقل، مظلوم به فکر استیفای حق خود خواهد بود و تا به آن نرسد آرام نخواهد نشست، در وی روحیه کینه‌جویی موج خواهد زد.

### ۲- ترس و دلهره همیشگی

یکی از عارفان گفته است رباخوار از تمام دهندگان گناهان کبیره بدحال‌تر است؛ زیرا هر کاسبی در آنچه به دست می‌آورد، (کم یا زیاد) توکلی به خدا دارد؛ مانند بازرگان یا برزگر و دهقان و همه کسانی که روزی خود را به عقل خود تعیین نمی‌کنند، ولی رباخوار روزی خود را تعیین می‌کند و اعتماد و توکلی به خداوند ندارد. رباخوار به دلیل اعتماد نداشتن به خداوند، همواره در تنگ‌خُلقی به سر می‌برد و تنها اعتمادش به اسباب و علت‌های مادی است و چون علت‌های مادی همواره در حال دگرگونی و نابودی است رباخوار را به دلهره و نگرانی از آینده دچار می‌کند. رسول مکرم خدا می‌فرماید: «هر کس ربا بخورد سرانجام او فقر خواهد بود». (نهج الفصاحه، ۱۳۷۴، ح ۳۱۷، حدیث ۲۶۰۷)

### ۳- بخل ورزیدن

امام صادق (ع) می‌فرماید: بخیل کسی است که سرمایه‌ای را از راه غیر حلال به دست آورد و در راه غیر حلال نیز به کار گیرد. (وسائل الشیعه، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۸۱، باب ۱، ح ۳). بی‌گمان مالی نامشروع‌تر و حرام‌تر از ربا نیست؛ زیرا خداوند انسان رباخوار را مشغول جنگ با خود خوانده است. انسان رباخوار با زیر پا گذاشتن حدود شرعی و عواطف انسانی، خود را در مسیر خلاف فطرت و راهی غیرمستقیم می‌اندازد. چنین انسانی هنگام مصرف سرمایه‌هایی که از این راه‌های نامشروع به دست آورده است، با پریشانی رفتار می‌کند. در نتیجه، به این شیوه عادت می‌کند و به راحتی نمی‌تواند آن را

۱. «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا.» (طلاق، ۳) هر کس بر خدا توکل کند، خدا او را بس است؛ همانا خداوند به خواست خویش می‌رسد و برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است.

ترک کند. اچنین شخصی حتی اگر سرمایه فراوانی داشته باشد، بازهم در استفاده از آن‌ها بر خود و خویشان و هموعانش بخل می‌ورزد. به فرموده قرآن، کسی که به دیگران بخل ورزد، در حقیقت به خود بخل ورزیده است.<sup>۱</sup> کانون گرم خانواده نیز از بالای خانمان سوز رباخواری در امان نمی‌ماند؛ زیرا فقری که بر اثر پرداخت بهره، گریبان گیر فرد ربا دهنده می‌شود، دشواری‌هایی را برای او پدید می‌آورد و چه بسا که این گرفتاری‌ها کانون خانواده او را از هم بپاشد.

از سوی دیگر، خانواده فرد رباخوار نیز از این خسارت‌ها در امان نخواهد بود؛ زیرا پول دوستی رباخوار و فراهم نکردن نیازهای زن و فرزند، اعتراض آن‌ها را برمی‌انگیزد و به بروز اختلاف در خانواده می‌انجامد. یکی دیگر از پی‌آمدهای جبران‌ناپذیر رباخواری، تأثیر آن بر روی فرزندان است. اسلام تأکید زیادی بر به دست آوردن روزی حلال کرده است و به دستور اسلام باید هزینه زن و فرزندان از راه حلال باشد. چون گوشت و پوست فرد رباخوار از حرام روییده است، نطفه‌ای هم که از او پدید می‌آید، از همان لقمه‌های حرام است و این اثر ناخوشایندی در سعادت فرزند دارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «کسب الحرام یبین فی الذریة» اثر مال حرام در نسل ظاهر می‌شود. (وسائل الشیعه، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۸۱، باب ۱، ح ۳).



۱. امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید: «عادت‌ها همواره بر انسان غلبه دارند. کسی که عادت کند کاری را در پنهانی انجام بدهد، این عادت او را نزد مردم رسوا می‌کند». (میزان الحکمه، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۱۲۲، ح ۱۴۲۵۵)  
 ۲. شما همان [مردمی] هستید که برای انفاق در راه خدا فرا خوانده شده اید پس برخی از شما بخل می‌ورزند و هر کس بخل ورزد تنها به زبان خود بخل ورزیده و [گرنه] خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید و اگر روی برتابید [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود (محمد، ۳۸)



## آثار زبان بار اجتماعی

### ۱- ایجاد فاصله طبقاتی

گسترش فرهنگ رباخواری در جامعه، سبب فاصله هرچه بیش‌تر میان ثروتمندان و تهی‌دستان می‌شود؛ زیرا ربا، سودی تضمین‌شده و بدون ضرر و زیان است. ایجاد فاصله و شکاف طبقاتی مشخص‌ترین و واضح‌ترین آثار ربا و نزول است. در این فضا شخص ربا دهنده سود خود را دریافت می‌کند و اصل سرمایه‌اش هم تضمین‌شده است و روز به روز بر سرمایه‌اش افزوده می‌شود و شخص ربا گیرنده هم هر چه سود کند باید به ربا دهنده دهد و علاوه بر آن اصل سرمایه‌اش هم ممکن است از بین برود، در این شرایط روز به روز این شکاف و فاصله طبقاتی بیشتر و بیشتر خواهد شد. همان اندازه که قرض‌الحسنه روابط عاطفی را در جامعه رشد می‌دهد و زمینه را برای همکاری و همیاری‌های متقابل فراهم می‌کند. رباخواری به دشمنی، کینه و حس انتقام‌جویی دامن می‌زند. فقری که از ربا ناشی می‌شود، تبدیل به عقده شده و در هر فرصتی مشتعل می‌گردد؛ و در اختلاف طبقاتی و اجحاف توان‌فرسای سرمایه‌داران خطر انقلاب و شورش وجود دارد. (لمیزان، ج، ص ۶۴۲)

### ۲- رواج بی‌کاری

ربا از عرضه درست کالا جلوگیری می‌کند و جامعه را به رکود اقتصادی می‌کشاند. دکتر احمد لطفیان درباره بی‌آمدهای بد ربا در اقتصاد کشور می‌گوید: امروزه یکی از دشواری‌های بزرگی که در سطح بین‌المللی، اقتصاد کشورها را سخت دچار رکود کرده است، مسئله بهره و ربا ست؛ زیرا ربا جلو عرضه درست کالا را می‌گیرد و موجب رکود می‌شود. نظام اقتصادی بر اساس رباخواری، سبب ایجاد تناقض شدید میان منافع تجاری و صنعتی از یک‌سو و منافع سرمایه‌نزولی سرمایه‌داران از سوی دیگر می‌شود. ربا سبب می‌شود که سرمایه کم‌تری وارد بخش‌های صنعتی و تولیدی کشور بشود و سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی کشور در درازمدت کاهش بیابد.<sup>۱</sup>

هشام بن حکم می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم چرا ربا حرام شد؟ حضرت در پاسخ فرمود: «لَوْ كَانَ الرَّبَا حَلَالًا لَتَرَكَ النَّاسُ التَّجَارَةَ وَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ فَحَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَا لِنَفَرِ النَّاسِ عَنِ الْحَرَامِ إِلَى التَّجَارَةِ وَالْإِلَى الْبَيْعِ وَالشِّرَاءِ فَيَفْضُلُ ذَلِكَ بَيْنَهُمْ فِي الْقَرْضِ» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۸۲) اگر ربا حلال بود مردم از کسب و تجارت و نیازمندی‌های زندگی دست می‌کشیدند و از فعالیت و تلاش بازمی‌ماندند. بدین جهت ربا حرام شد تا مردم به دنبال کار و تلاش و دادوستد بروند و قرض دادن بین مردم رواج و فزونی پیدا کند.

از این پاسخ امام استفاده می‌شود که ربا بازدارنده تولید و تجارت و مانع فعالیت و اشتغال است.

### ۳- تورّم

وقتی ربا و وام‌ها با سود ربوی در کار باشد، صنایع و تولیدی‌ها که مجبور به گرفتن چنین ربایی

هستند، کم‌کم شاهد بالا رفتن هزینه خود خواهند شد، تولیدکننده بخش اعظم سود خود را به رباخوار و یا همان مرجع و سازمان وام‌دهنده خواهد داد، سود کم مانده برای تولیدکننده، یا موجب افزایش هزینه کالا می‌شود و یا باعث نابودی تولیدکننده که هر دو حالت باعث تورم و بی‌ثباتی در تولید و اقتصاد می‌شود؛ و در پی آن اقتصاد جامعه به اقتصادی بیمار تبدیل خواهد شد.

#### ۴- نابودی جامعه از جهت فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی

اثر دیگر ربا در جامعه، ویرانی فرهنگی - اقتصادی جامعه است. اسلام هرچند مالکیت خصوصی را به رسمیت می‌شناسد و سرمایه مسلمان را مانند خون او محترم می‌شمارد؛ ولی با وضع قانون‌هایی مانند واجب بودن پرداخت زکات، تحریم ربا و... کوشیده است تا از انباشت سرمایه در دست شماری اندک جلوگیری کند و جامعه را از رفاه عمومی برخوردار سازد. جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در هر جامعه، به یکدیگر گره خورده‌اند و بر هم زدن هر کدام، جامعه را به مرز فروپاشی و نابودی می‌کشاند. اسلام به برخی از اصول در روابط اجتماعی و فردی اهمیت فراوان می‌دهد؛ و به مقولاتی چون تراحم، همکاری، هم‌یاری، تأمین نیازمندان، همدردی، روابط اجتماعی توجه بسیاری مبذول داشته است. یکی از مهم‌ترین ادله در تحریم ربا، ترویج قرض‌الحسنه و دیگر فعالیت‌های سالم اقتصادی است. به‌طور کلی، انفاق، صدقه، قرض‌الحسنه، در برابر رباخواری قرار دارند. این‌ها کارهای نیکخواهانه‌ای است که رواج رباخواری مانع رشد و گسترش آن‌ها می‌شود. روایات متعددی نیز در این معنا از حضرات معصومان نقل شده است.

امام رضا (ع): علت تحریم ربا در نسیه از بین رفتن کارهای نیک و نابودی اموال و گرایش مردم به سودجویی و رها کردن قرض است و حال آنکه قرض از کارهای نیک است و نیز ربا سبب فساد و ظلم و از بین رفتن ثروت‌هاست. (وسایل الشیعه، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۱۲۱) امام صادق (ع) نیز فرمودند:

۱. مالکیت خصوصی در نظام اقتصاد اسلامی چنان مورد توجه و احترام قرار گرفته که از سوی قرآن کریم، حکم بریدن دست سارق یعنی متجاوز به حریم این نوع مالکیت صادر شده است. (مائده، ۳۶) یعنی کسی که با بی‌احترامی به حق مالکیت به تصرف در شیء اقدام کرده است، مجازات می‌شود. از سوی دیگر، لجام گسیختگی این مالکیت، سبب طغیان و سرکشی فرد (علق، ۶) و نیز فقر و اختلاف طبقاتی شدید (حشر، ۷) می‌شود؛ به همین سبب مالکیت خصوصی در این نظام برخلاف نظام سرمایه داری محدود است؛ زیرا چنان‌که گفته شد، مالکیت خصوصی از دیدگاه قرآن در طول مالکیت خداوند قرار دارد؛ از این‌رو، خداوند می‌تواند محدودیت‌هایی را برای این مالکیت وضع و حتی در برخی موارد، آن را سلب کند. قال رسول الله (ص) «لَا يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِطَيْبَةِ نَفْسِهِ» (وسایل الشیعه، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۵۷۲) یعنی حلال نیست که در اموال مسلمانی تصرف کنیم مگر اینکه او طیب نفس داشته باشد (مجاز فسخ داشته باشیم)
- قال رسول الله (ص) «إِنَّهُ لَا يَحِلُّ دَمٌ امْرِئٍ مُسْلِمٍ وَلَا مَالُهُ إِلَّا بِطَيْبَةِ نَفْسِهِ» (وسایل الشیعه، ۱۴۱۴، ج ۲۹، ص ۱۰) جان و مال مسلمان بر کسی حلال نیست مگر با رضایت خودش.
- قال رسول الله (ص) «لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ» (وسایل الشیعه، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۵۴۱) برای کسی تصرف در اموال دیگران بدون اجازه وی جایز نیست.

همانا خداوند ربا را به این علت حرام کرده است که مردم از کارهای خیرخواهانه امتناع نورزند. (وسایل الشیعه، ۱۴۱۴، ج ۱۸، ص ۱۱۸)

### نتیجه گیری

ربا یکی از بزرگ‌ترین گناهان در دین اسلام است، به طوری که در آیات و روایات، کمتر گناهی این گونه مورد سرزنش قرار گرفته است. بی تردید چنین گناه عظیمی دارای آثار مخرب مادی و معنوی بر فرد و اجتماع خواهد بود. برای فلسفه تحریم ربا عوامل مختلفی در روایات ذکر شده که می‌توان به ظلم موجود در ربا به علت حالت بیماری فراگیر فرهنگی آن در یک مقیاس وسیع در جامعه اتفاق می‌افتد و موجب از رونق افتادن دیگر قراردادهای مفید هم چون تجارت و قرض الحسنه می‌شود، اشاره کرد. ظلم در ساختار کلیه حالات ریای قرضی وجود دارد؛ و لذا حرمت آن قابل مقایسه با دیگر گناهان نیست.



منابع

- قرآن کریم
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین، عوالی اللغالی، قم، سیدالشهدا، ۱۴۰۳.
- ابن منظور، لسان العرب، بیروت: چاپ علی شیری، ۱۴۱۲ ه.ق
- اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفایده والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، النشر الاسلامیه لجامعه المدرسین، قم، ۱۴۰۳.
- اصفهانی، راغب، المفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن، تهران: مکتبه المرتضویه، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ه.ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، بیروت، آل‌البت، ۱۴۱۴ ه.ق.
- حسینی عاملی، محمد، اثنی عشریه، مکتبه المصطفوی، قم، ۱۳۷۶ ق.
- حکیمی، محمدرضا، محمد، علی، الحیاه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۴۱۳.
- حلّی ابن فهد، احمد بن محمد، عده الداعی، دارالکتب الاسامی، بیروت، بی تا.
- حلّی محقق، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر ابن حسن الحلّی، المختصرالنافع فی الفقه الامامیه، المکتبه الاسلامیه الکبری لموسسه البعثه، تهران، ۱۴۱۰ ق.
- خمینی، روح الله، کتاب البیع، اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۳.
- خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۴.
- سیوطی، جلال‌الدین، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴.
- شفیعی مازندرانی، محمد، وام و ربا در نگرش اسلامی، مشهد، استان قدس، ۱۳۷۹.
- صدوق، محمد بن حسن، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، مکتبه الصدوق، تهران و کتبی نجفی، قم.
- صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، داوری، ۱۳۸۵ ش.
- صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴.
- طبرسی رضی‌الدین حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، یک جلد، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، چاپ اول، بیروت، ۱۴۱۵.
- طبری، عماد‌الدین، بشاره المصطفی، یک جلد، چاپ کتابخانه حیدریه نجف، ۱۳۸۳ ق.
- علوی، سید محمد حسن ربا و راه های گریز از آن، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- فرید تنکابنی، مرتضی، سیری دیگر در نهج الفصاحه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
- قطب راوندی، سعید بن هبه الله، الدعوات، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۳۶۶.

- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر، دو مجلد، تصحیح سید طیب الجزائری، نشر مؤسسه دار الكتاب قم، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۴ ق.
- قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۴۳۰.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الامامیه، ص ۱۲۷.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، دار الحدیث، ۱۳۸۴ ه.ش.
- مظاهری، حسین، مقایسه ای بین سیستم های اقتصادی، جلد دوم، موسسه در راه حق، بیتا، بی جا.
- موسایی، میثم، موضوع شناسی ربا، تهران، نور علم، ۱۳۹۰.
- میرزا خسروی، علی رضا، تفسیر خسروی، چاپ اسلامیّه، ۱۳۹۷ ه. ق، ج ۱، ص ۳۶۸.
- نجفی، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالکتب الاسلامیه. تهران، ۱۴۰۰.
- نورانی، یوسف، جرم ربا از منظر فقه و حقوق، مشهد، آستان قدس، ۱۳۹۱.
- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت. ۱۴۰۸.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، عدالت اجتماعی، قم، مؤسسه امام المنتظر عج، ۱۳۷۹.
- ورام، مسعودین عیسی، مجموعه ورام، مشهد، آستان قدس، ۱۳۶۹.
- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و همگاران، تهران، کیهانک، ۱۳۶۸.
- ویلیام گلن، هاری مرتن، کتاب مقدس (عهد قدیم و عهد جدید) ترجمه فاضل همدانی، خان سوم، اساطیر، ۱۳۸۸.